



علی سعدوندی @AliSaedvandi

ارز کنترل شد، نه به دلیل سیاست‌های ارزی بانک مرکزی، بلکه چون نقدینگی به سوی بورس روان است. روزی که ظرفیت سهام پر شود، بدون بازار عمیق اوراق، وای از استانبول، وای از فردوسی. پاستور تو فعلا خواباب، میرداماد هم خوابیده.

گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر سیداحسان خاندوزی درباره طرح بانکداری جمهوری اسلامی

# صورت‌رادیگال محتوای غیررادیگال

■ سازمان نظارت بانکی مقتدر و پاسخگو برای سلامت نظام بانکی ضروری است  
■ اولویت بانک مرکزی باید بازگرداندن انضباط به بخش مالی و تغییر وضعیت ناتراز تر از نامه‌های بانکی به حالت سالم و بی‌خطر باشد

**سیدمهدی موسوی حسینی:** پس از ۷ سال، کلیات طرح بانکداری جمهوری اسلامی در مجلس به تصویب رسید و جزئیات آن منتظر تصویب است. با منتشر شدن جزئیات، انتقاداتی از سوی نخبگان و صاحب‌نظران به این طرح وارد شد اما همگی بر این موضوع متفق‌القول هستند که اعمال اصلاحات در شرایط کنونی نیازمند پیش‌نیازهایی است که باید ابتدا فراهم شود. اگر نه این طرح نیز سرنوشتی شبیه طرح‌های پیشین خواهد داشت. شاید بتوان با شنیدن حرف‌های صاحب‌نظران اقتصادی در زمان اندک باقی‌مانده تا پایان مجلس دهم، برخی ایرادات و اشکالات اساسی طرح بانکداری جمهوری اسلامی را برطرف و پیش‌زمینه‌های لازم را برای اصلاح نظام بانکی فراهم کرد. این بار سراغ دکتر سیداحسان خاندوزی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی رتقیمت تا نظرات او در این باره بشنویم.

کشور نه از جهت هدف کارایی و نه از جهت اهداف عدالت‌خواهانه و اسلامی نخواهد کرد.

■ منظور شما از محتوای غیررادیگال طرح چیست؟

منظورم نسبت واقعی یا بخش پولی اقتصاد است. اید ۲ خبیلی جدی در اقتصاد وجود دارد؛ یک ایده که اساسا بانک مرکزی را نسبت به هر گونه مسؤولیت نسبت به متغیرهای واقعی از جمله تولید، اشتغال و توسعه اقتصادی می‌رما می‌کند (مدل انگلوساکسون) و ایده دوم که بانک مرکزی را خدمتکار تحقق اهداف بخش واقعی می‌داند، ولو اینکه منجر به افزایش قیمت و تورم‌های بالا شود (مدل شرق آسیا). این طرح، موضعی میانه بین این دو است و به هیچ یک از ۲ نقطه تعلق ندارد. همان که عرض کردم، محتوای طرح غیررادیگال است. بنابراین اگر به مواد یک و ۲ طرح نگاه کنید، در زمره اهداف بانک مرکزی هر سه هدف مربوط به «ثبات قیمتی»، «سلامت بانکی» و «بحث تولید، اشتغال و توسعه اقتصادی» ذکر شده است.

■ این کار با این توجیه انجام شده است که نمی‌توان این ۳ مولفه را اولویت‌بندی کرد.

خیرا حتما می‌توان آنها را اولویت‌بندی کرد؛ بسته به اینکه اقتصادها در چه مرحله‌ای از توسعه یافتگی قرار دارند، یکی از این اهداف تقدم می‌یابد. اما طراحان به شکلی محافظه‌کارانه و با زیرکی از این مناقشه نظری بین حد راست و چپ عبور کردند و بر آن شدند هر دو نوع سیاست‌گذاری را در دل طرح فراهم آورند تا هر آنچه را رئیس‌کل یا هیأت عامل تشخیص داد، پیاده کنند. این هم یکی از ابعاد غیررادیگال طرح است.

■ به نظر شما کدام یک از این اهداف اولویت دارد؟

با توجه به شرایط امروز ما که در روزهای پایانی سال ۱۳۹۸ هستیم، از دید من ما در حال حاضر با تعارض اهداف مواجه نیستیم؛ یعنی بانک مرکزی می‌تواند از خلال کمک کردن جدی به ابعاد بخش واقعی و تولیدی اقتصاد، فرآیند کاهش تورم را نیز مدیریت کند، چون جنس تورمی که اقتصاد ایران در سال جاری با آن روبه‌رو است، از جنس تورم ناشی از پایه پولی جدید نیست. این امکان وجود دارد

از طریق هدایت اعتبار به بخش‌های مولد، کاری کنیم ضمن عدم افزایش چشمگیر تورم، منفعت بخش تولید کشور هم تأمین شود. ■ بر این اساس ما نمی‌توانیم منتظر بمانیم یکسری ایده‌ها در حوزه پولی و بانکی تبدیل به برنامه شود و بعد آن را اجرایی کنیم. از آن جهت که ما در اهداف بلندمدت خود می‌خواهیم به سمت الگوی پیشرفت ایرانی-اسلامی حرکت کنیم، جمهوری اسلامی این رسالت را دارد که به اندیشمندان و کارشناسان این حوزه کمک کند درباره الگوی بهینه، تولید محتوا و گفت‌وگو کنند اما مخالفت با این طرح که روی میز است و وضعیت را نسبت به شرایط موجود حداقل قدری بهتر می‌کند، با تمسک به این بهانه که می‌توانیم در آینده به طرح‌های بهتری دست یابیم، غیرواقعی است. این همان اتفاقی است که از سال ۱۳۸۳ که دولت اولین پیش‌نویس لایحه بانکداری را تهیه کرد تا امروز رخ داده است. از طرفی طرح حاوی اصلاحات صورتی رادیگال است. به این معنا که مجموعه مناسبات و سازماندهی بخش سیاست پولی و نظارت بانکی با تحولات خیلی چشمگیری نسبت به وضع موجود نوشته شده است. در حوزه سیاست پولی، گرفتن افسار سیاست‌گذاری پولی و اعتباری کشور از دست شورای پول و اعتبار که به نحو سنتی از سال ۱۳۴۰ تا امروز مهم‌ترین رکن سیاست پولی کشور به شمار می‌رفته و جایگزینی آن با هیأت عالی و اکتش، اقدامی بسیار تحول‌گرایانه به شمار می‌رود.

■ این تحول به سمت مثبت است یا منفی؟ تحول‌گرایی آن مثبت است. یعنی مجموعاً سیاست‌گذاری پولی به سمت تخصص‌گرایی بیشتر و حذف کردن اجزای غیرتخصصی و ذی‌نفع اخذ اعتبار رفته است. در شرایطی که در حال حاضر شورای پول و اعتبار به صورت خیلی پراکنده و غیرمسئولانه می‌تواند هر سیاستی وضع کند و هر کدام از اعضا بگویند مخالف یا موافق آن تصمیم بودیم. ایجاد هیأت عالی به معنای حرکت جدی به سمت تمرکزگرایی است. بدون اینکه این هیأت پاسخگویی چندان محکمی

به مجلس یا دولت داشته باشد. طرح در زمینه هیأت عالی نقطه ضعف جدی دارد و آن پاسخگو نبودن هیأت عالی به بالاترین مقام قوه مجریه یا قوه مقننه است.

■ نهادهای مشابه آن در دنیا برای مثال فدرال رزرو آمریکا به کجا پاسخگو هستند؟

ساختار نظام حکمرانی بانکی باید با ساختار سیاسی و اقتصادی سازگار باشد. اساسا بررسی تجارب اقتصادی دیگر کشورها که بانک‌های مرکزی آنها به چه ترتیبی هستند، به جهت گرفتن ایده‌ها یا استفاده از تجارب موفق یا ناکام‌شان، خوب است اما هیچ کدام عینا قابل گرتهمزرداری برای جمهوری اسلامی نیست. چون ما اساسا فاقد شباهت‌های ساختاری هستیم. برای مثال فدرال رزرو آمریکا در نتیجه قدرت‌های سنتی بخش خصوصی متولد شد ولی بانک مرکزی در ایران محصول تصمیم‌گیری متمرکز دولت در سال ۱۳۳۹ است. بخشی دیگری از رادیگال بودن ابعاد صورتی طرح به این بازمی‌گردد که ما در سازوکار نظارتی فعلی بانک مرکزی دچار ضعف مفرط در نظارت بانکی هستیم؛ به همین جهت بسیاری از اهداف و شاخص‌های سلامت بانکی را نمی‌توانیم در کشور محقق کنیم. در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ بعد از رشد بانکداری خصوصی و موسسات مالی و اعتباری، ثمره این ضعف نظارتی را به کرات دیده‌ایم؛ هر مردم باز دست دادن سپرده‌های‌شان آن را درک کردند و هم شاهد بی‌اضطیالی پولی، افزایش نقدینگی و تزیق‌های بانک مرکزی به دلیل ورشکستگی این موسسات بودیم. اینها نمودهایی از ضعف مفرط نظارت در بانک مرکزی است. لذا در طرح بدرستی به

سمت این رفتند که سازمان مستقل و مقتدری پیش‌بینی کنند تحت عنوان سازمان نظارت بانکداری بتواند این خلأ را جبران کند ولی متأسفانه در ویرایش نهایی طرح، به جهت فشارهایی که دولت و رئیس بانک مرکزی وارد کردند، کمیسیون اقتصادی تا حد زیادی از آن عقبنشینی کرد. امیدواریم در مرحله بازگشت طرح به صحن علنی مجلس امکان بازبایی این سازمان جدی، مقتدرتر کردن آن و پاسخگو کردنش در مساله سلامت بانکی اتفاق بیفتد. آخرین جزء از اصلاحات رادیگالی انجام شده در مناسبات صورتی بانکداری ایران، مربوط به

مساله تعارض منافع می‌شود که الان هیچ ردپایی در قوانین پولی و بانکی در کشور ندارد. ما سال ۱۳۸۴ که قانون بازار اوراق بهادار را تصویب کردیم، در بازار سرمایه چند حکم برای مدیریت تعارض منافع نگنجاندیم ولی چون قوانین بانکی متعلق به دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ است، هیچ توجهی به مساله تعارض منافع نشده است. اما طرح مذکور به صورت خیلی جدی درباره شفافیت مشروح مذاکرات، آرای که از سوی بانک مرکزی صادر می‌شود و مقارن نبودن منافع بانکداری با بانکداری تجاری در کشور چه از جهت مدیریت سهامداری، اشتغال همزمان و امثال این موارد تدابیر خیلی خوبی اندیشیده است که به منزه کردن سیستم بانکداری کشور کمک خواهد کرد. در ادبیات متعارف اقتصاد پولی همیشه به مساله استقلال بانک مرکزی از مقام بودجه‌ای بسیار تأکید می‌شود اما ما در تلقی ایرانی از استقلال بانک مرکزی این را فراموش می‌کنیم که باید به استقلال بانک مرکزی از نهادهای تحت نظارت خودش هم توجه کرد؛ در غیر این صورت اساسا بانک مرکزی هم از نظر ابعاد رادیگال خودش قدری غیرواقع‌گرایانه است؛ به عبارتی بود که در طرح وجود دارد. البته تجربه سیاست‌گذاری اقتصادی ایران نشان می‌دهد چون ما در بستر واقعی ملزم به اجرای قانون هستیم و امکان انقطاع و گسست تاریخی وجود ندارد، این طرح از جهت ابعاد رادیگال خودی قدری غیرواقع‌گرایانه است؛ به عبارتی نیازمند دوره گذار ۲ یا ۵ ساله‌ای است که امکان انتقال و دگرگونی سازوکارهای فعلی به سمت سازوکارهای مطرح‌شده در طرح به وجود آید. به عبارت دیگر حتی اگر در ابتدای سال ۱۳۹۹ این طرح در مجلس به تصویب نهایی برسد، واقع‌گرایانه آن است که به عنوان آخرین ماده این طرح یک دوره گذار حداقل ۳ ساله در نظر گرفته شود و دولت مکلف شود مقدمات اجرای قانون را فراهم کند تا ۳ سال بعد از تصویب، امکان پیاده‌سازی آن وجود داشته باشد. بخشی از



واکنش‌های تندی که از طرف فعالان اقتصادی ذی‌نفع در شعبه پول و اعتبار یا بانکداران تجاری و حتی بنده بانک مرکزی علیه طرح وجود دارد، به آن تحول رادیگالی بازمی‌گردد که اشاره کردم. ■ برخی عنوان می‌کنند ما بدون نیاز به قوانین جدید می‌توانیم تغییرات لازم را به وجود آوریم، منوط به اینکه انگیزش‌های لازم وجود داشته باشد. شما کدام متغیر را موثر می‌دانید؛ عواملن تغییر یا بستر قانونی؟

در نظریات اقتصاد توسعه و همچنین رشته مدیریت، کشمکش طولانی بین اینکه اولویت یا نقطه عزیمت اصلاحات باید فرد باشد یا سیستم وجود دارد. سوال شما عبارت آخری از این حرف است. ما از طریق قوانین می‌خواهیم دست به تغییر نهاد ببریم و بانکداری را تحت‌تأثیر قرار دهیم اما این تغییر نهاد باید از مجرای عملیتهای فردی عبور کند تا امکان تحقق یابد. یعنی اگر مجموعه‌ای از افراد با این تغییر نهادی همراهی نکنند، حتماً آن تغییر نهادی به شکست می‌انجامد. بنابراین همراه کردن عملیتهای فردی برای اینکه در داخل دولت، بانک مرکزی و سیستم بانکی، گارد مقاومت خود را علیه طرح کنار بگذارند و رسمی کنند همدلانه به اجرای طرح کمک کنند، حتماً شرط موفقیت طرح محسوب می‌شود. من با اینکه بگویم این اراده‌های فردی شرط لازم و کافی است و بی‌نیاز از اصلاح قانون هستیم، مخالفم. حتی اگر اشخاص معتبری در مصدر کار قرار بگیرند که به این سمت از اصلاحات هم باور داشته باشند، حتما در تغییر دادن بخش زیادی از مناسبات فعلی بانکداری کشور ناتوان خواهند بودند و ناچارانه برای تغییر مناسبات از معبر قانونگذاری بگذرند. یعنی قانون است

که شورای پول و اعتبار را با ترکیب امروزین به ما تحمیل کرده‌است، بنابراین حتی اگر رئیس کلی انتخاب شود که به این تغییر اعتقاد داشته باشد، جز با تغییر قانون امکان ندارد بتواند از این مانع عبور کند. از این رو در بخش‌هایی ما تاگزیر از اصلاح قانون هستیم و فقط روی کار آمدن بانکداران مرکزی که همسو با ایده‌های تحول‌خواهانه باشند، تکیه می‌کنند. تغییر قانون هم بدون همکاری بانکداران مرکزی موثر نخواهد بود. بنده با این باورم که اگر ما فهم درستی از بانکداری مرکزی، سیاست‌گذاری پولی و نظارت در سلامت بانکداری و از سویی اراده لازم در مدیریت بانک مرکزی را می‌داشتیم، می‌توانستیم بدون قانون هم در صددی از مسیر را طی کنیم. بنابراین ایجاد هر تحولی در بخش بانکداری، موکول به تصویب قانون نیست اما اگر بخواهد تحول به تمامی محقق شود، حتما بخشی از این تحول باید از طریق اصلاح قانون بگذرد. ■ اگر بخش نظارت بانکی در فرآیند تصویب در مجلس به همین شکل باقی بماند، آیا باعث نمی‌شود طرح تا حدی عقیم بماند؟

من خیلی به نظرات وزن می‌دهم. ما وقتی درباره بی‌نظمی بخش مالی و متنگل تخصص اعتبار در اقتصاد ایران حرف می‌زنیم، اولویت اول بانک مرکزی باید بازگرداندن انضباط به بخش مالی و تغییر وضعیت ناتراز تر از نامه‌های بانکی به حالت سالم و بی‌خطر باشد. به حدی ابعاد این خطر بزرگ است که نسبت به هر اتفاق دیگری هولناک‌تر است. شما می‌دانید تنها کانال‌هایی که ممکن است اقتصاد ایران از آن مسیر وارد ابر تورم شود، این است که کسری بودجه دولت پولی شود یا ناترازی سیستم بانکی، به سلسله‌ای از اسعشارها و در نتیجه تزریق بانک مرکزی منجر شود. اگر این دو اتفاق رخ ندهد، به طور قطع می‌گویم وقوع ابر تورم در ایران بسیار دور است. کسانی هم که کشور را از ابر تورمی مانند تورم ونزوئلا می‌ترسانند، شناخت درستی از اقتصاد ایران ندارند، البته مشروط به اینکه پولی کردن کسری بودجه و بحث ترانزاسیون سیستم بانکی مدیریت شود. بنابراین برای اینکه ناترازی سیستم بانکی بتدریج به سمت تراز شدن برود، مستلزم داشتن بانک مرکزی مقتدر در حوزه نظارتی هستیم. در این شرایط باید مجموعه‌ای از کارشناسان و مدیران حرفه‌ای کار هر روزشان نظارت بر شاخص‌های سلامت اقتصاد باشد و اختیارات لازم را برای مقابله جدی یا حمایت قطعی از بخش‌های مالی که مدنظر هستند داشته باشند. در این شرایط باید دلسوزان اقتصاد کمک کنند تا سازمان نظارتی قوی‌ی ذیل بانک مرکزی شکل بگیرد

## اخبار

ایجاد ۲۲۹ هزار شغل توسط بنیاد برکت

بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان امام در قالب اشتغال‌زایی بنگاه‌محور، ۲۲۹ هزار اشتغال ایجاد کرده است. معاون تأمین نهاده‌ها و مشارکت‌های اقتصادی بنیاد برکت ستاد اجرایی فرمان حضرت امام(ره) با اعلام این خبر افزود: در قالب طرح اشتغال‌زایی بنگاه‌محور و با هدف محرومیت‌زدایی، توانمندسازی اقتصادی و ایجاد فرصت‌های کسب و کار این بنیاد از طریق مشارکت با واحدهای صنعتی و تولیدی، ۲۲۸ هزار و ۹۰۰ فرصت شغلی در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته ایجاد کرده است. هادی جوهری اظهار داشت: این تعداد اشتغال شامل ۳۸ هزار و ۱۵۰ فرصت شغلی مستقیم و ۱۹۰ هزار و ۷۵۰ شغل غیرمستقیم می‌شود و با حجم سرمایه‌گذاری ۵۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریالی از سوی بنیاد برکت راهاندازی شده است.

به گفته معاون تأمین نهاده‌ها و مشارکت‌های اقتصادی بنیاد برکت، مدل اشتغال‌زایی بنگاه‌محور یکی از روش‌های این بنیاد برای ایجاد اشتغال در مناطق محروم است که در این مدل، اشتغال‌زایی و محرومیت‌زدایی از طریق مشارکت و توانمندسازی بنگاه‌های اقتصادی دنبال می‌شود. وی ادامه داد: بنگاه برکت از سال ۱۳۸۷ اقدام به مشارکت با بنگاه‌های اقتصادی در قالب طرح اشتغال‌زایی بنگاه‌محور کرده و تا به امروز با ۳۵۰ شرکت مشارکت داشته که از ۲۵۰ شرکت خارج شده‌است. وی تصریح کرد: شرکت‌های مشارکتی بنیاد برکت عمدتاً در صنایع برق، الکترونیک و تجهیزات مهندسی؛ کانی‌های فلزی، غیر فلزی و ساخت فلزات اساسی؛ سلولزی؛ چوب، کاغذ و مصالح ساختمانی؛ غذایی و دارویی؛ کشاورزی، دامپروری و شیلات؛ شیمیایی؛ تبدیلی؛ چاپ و بسته‌بندی و صنایع عمومی مشغول به فعالیت هستند. معاون تأمین نهاده‌ها و مشارکت‌های اقتصادی بنیاد برکت خاطر نشان کرد: ۹ شرکت مشارکتی بنیاد برکت در زمینه صادرات محصولاتشان فعال هستند و تا به امروز موفق به صادرات تولیدات خود همچون شمش روی، کاغذ کارتن، شیشه سکوریت، سیم و کابل، کلید و پریز، خرما، ماهی و میگو، تخم‌مرغ و... به کشورهای تحت‌تأثیر قرار دهیم اما این تغییر نهاد باید از مجرای عملیتهای فردی عبور کند تا امکان تحقق یابد. یعنی اگر مجموعه‌ای از افراد با این تغییر نهادی همراهی نکنند، حتماً آن تغییر نهادی به شکست می‌انجامد. بنابراین همراه کردن عملیتهای فردی برای اینکه در داخل دولت، بانک مرکزی و سیستم بانکی، گارد مقاومت خود را علیه طرح کنار بگذارند و رسمی کنند همدلانه به اجرای طرح کمک کنند، حتماً شرط موفقیت طرح محسوب می‌شود. من با اینکه بگویم این اراده‌های فردی شرط لازم و کافی است و بی‌نیاز از اصلاح قانون هستیم، مخالفم. حتی اگر اشخاص معتبری در مصدر کار قرار بگیرند که به این سمت از اصلاحات هم باور داشته باشند، حتما در تغییر دادن بخش زیادی از مناسبات فعلی بانکداری کشور ناتوان خواهند بودند و ناچارانه برای تغییر مناسبات از معبر قانونگذاری بگذرند. یعنی قانون است

## ارسال کمک‌های غیر نقدی بانک ملت برای سیل‌زدگان استان سیستان و بلوچستان

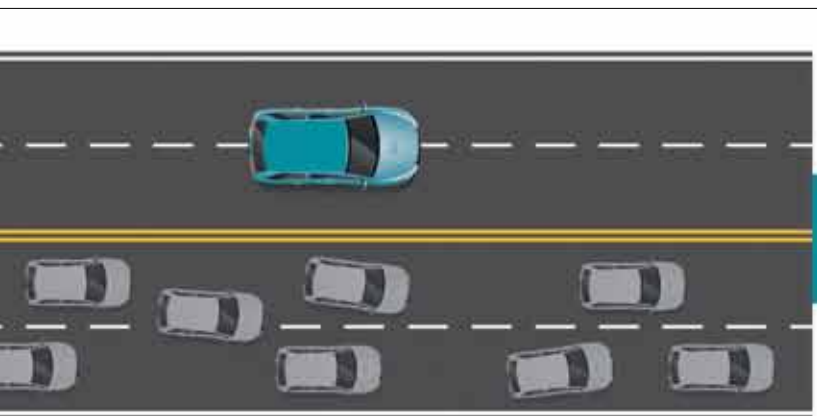
با دستور مدیرعامل، بانک ملت در راستای ایفای مسؤولیت‌های اجتماعی، کمک‌های غیرنقدی خود را برای سیل‌زدگان استان سیستان و بلوچستان ارسال کرد. به گزارش روابط عمومی بانک ملت، در پی وقوع سیل در استان سیستان و بلوچستان که خسارات سنگینی را به زیرساخت‌ها، اماکن مسکونی، باغات و مزارع این استان وارد کرد، بانک ملت با دستور دکتر بیگلری، مدیرعامل و با هدف ایفای مسؤولیت‌های اجتماعی، اقدام مختلف و کالاهای ضروری برای حمایت از سیل‌زدگان استان خریداری کرد.

بر اساس این گزارش، بانک ملت در این طرح اقلام مورد نیاز سیل‌زدگان را در قالب ۶ دستگاه کامیون و کامیونت حاوی چادر، پتو، زیرانداز، کنسرو ماهی، غذای آماده و آب معدنی به سیل‌زدگان استان اعطا کرد. در عین حال، شبکه تلویزیونی استان سیستان و بلوچستان، هامون، در ۲ بخش خبری روز شنبه ۲۸ دی‌ماه ارسال کمک‌های بانک ملت به مردم سیل‌زده را اعلام کرد.

این گزارش حاکی است، بانک ملت در زمان وقوع سیل در استان‌های گلستان، لرستان و خوزستان نیز در چند مرحله نسبت به اهدای کمک‌های نقدی و غیرنقدی برای ساکنان سیل‌زده این استان‌ها اقدام کرده بود.

## دعای کتیم تحریم لغو نشود

دبیر انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو با بیان اینکه قطعه‌سازان دعا می‌کنند تحریم لغو نشود، گفت: با ایجاد ۳ مین داخلی‌سازی در وزارت صنعت، ۲۰ میلیون یورو ارزبری جلوگیری شد. مازیار بیگلر گفت: توجه وزارت صنعت، معدن و تجارت به اجرای نهضت داخلی‌سازی در صنعت خودرو، منجر به اتفاقات بسیار خوب در این صنعت شده؛ به نحوی که تمام قطعه‌سازان دعا می‌کنند تحریم ادامه نداشته باشد. وی ادامه داد: خوشبختانه به دلیل توجهی که به نهضت داخلی‌سازی شده، برخی نیروهای تعدیل‌شده در خطوط تولید صنعت قطعه‌سازی، مجدداً به کار بازگشته‌اند و تا پایان سال برخی شرکت‌ها حتی با افزایش نیرو و جذب افراد جدید مواجه خواهند شد.



این مسیر تنها متعلق به شماست.  
اینترنتی "کاملاً" اختصاصی برای کسب‌وکار شما

رسپینا

بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده پهنای باند اختصاصی به سازمان‌ها در ایران

www.respina.net

@respinaofficial

تلفن: ۰۲۱-۹۱۰۰۷۰۰۰



شرکت داده‌پردازی رسپینا  
پهنای خطی - شماره ثبت (۱۳۷۱)  
دفتر پتونه FCP به شماره ۱۱-۲۴ سا  
از میان‌تیم خدمات و ارتقاء ۱۳۹۵ راه‌نویس